

درس یازدهم

«قائن توبه نکرده»

پیدایش ۴

سلام بر شما شنوندگان عزیز، در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید و تا ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم که امروز می‌توانیم برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم کنیم.

در برنامه گذشته، در مورد دو پسر اول آدم و حوا یعنی قائن و هابیل مطالبی بیان کریم. دیدیم که هر یک از آنها خواست خدا را پرستش کرده، و به او قربانی تقدیم کند. قائن، برخی از محصولاتش را که پرورش داده بود به خدا تقدیم کرد. اما هابیل، بره‌ای بی‌عیب به خدا تقدیم کرد و آن را به عنوان پوششی برای گناه ذبح کرد. کتاب مقدس اعلام می‌کند: «خداوند هابیل را پذیرفت اما قائن را نپذیرفت.»

چرا خدا هابیل را پذیرفت اما قائن را نپذیرفت؟ زیرا طریق عدالت خدا مستلزم خون قربانی است. خدا هابیل را عادل محسوب کرد، زیرا و به کلام خدا ایمان داشت و آنچه را که خدا می‌خواست به او تقدیم کرد. اما قائن کوشید، تا با تلاش خود به خدا نزدیک شود بنابراین خدا او را نپذیرفت.

امروز قصد داریم تا بررسی قائن و هابیل را به پایان برسانیم. آیا می‌دانید، بعد از آنکه خدا قربانی قائن را رد کرد، چه اتفاقی افتاد؟ آیه پنج از باب چهارم کتاب پیدایش، کتاب مقدس می‌گوید: «خشم قائن به شدت افروخته شده، سر خود را بزیر افکند.» (پیدایش ۴:۵) چرا قائن خشمگین بود؟ درک این موضوع چندان دشوار نیست. بعنوان مثال، اگر من کار بدی را انجام دهم و شخصی به من بگوید: «شما خطا کرده‌اید! راه خود را عوض کنید و آنچه را که صحیح است انجام دهید.» من به شخصی که مرا سرزنش کرده است چه پاسخ خواهم داد؟ یا با فروتنی سخنان او را می‌پذیرم و راه خود را تغییر می‌دهم یا نسبت به او عصبانی می‌شوم و به اشتباهات خود را ادامه می‌دهم.

خدا قائن را توبیخ کرد بنابراین، شاید او به این مسأله پی برد که، آنچه که از دسترنج خود بعنوان قربانی به حضور خدا هدیه کرد، بی‌ارزش بوده است. خدا می‌خواست قائن، توبه کند و بره‌ای بی‌عیب و سالم برای قربانی بیاورد، همانگونه که هابیل کرده بود. خدا می‌خواست قائن از گناه خود توبه کند و راه درست را برود. اما قائن با غرور، از پذیرفتن گناه خود در حضور خدا، امتناع کرد. بلکه در مقابل، عصبانی و ناامید شد.

«آنگاه خداوند به قائن گفت: "چرا خشمناک شدی؟ و چرا سر خود را بزیر افکندی؟ اگر نیکویی می‌کردی، آیا مقبول نمی‌شدی؟ و اگر نیکویی نکردی، گناه بر در، در کمین است و اشتیاق تو دارد، اما تو بر وی مسلط شوی."» (پیدایش ۴:۷ و ۸) چرا خدا اینگونه از قائن سؤال کرد؟ خدا او را زیر سؤال برد زیرا نمی‌خواست قائن هلاک

شود. خدا می‌خواست قائن از گناه خود توبه کند و از راه راست پیروی کند. خدا می‌خواست تا قائن را از وجود دشمن وحشتناکی که نابودی او و فرزندانش را تهدید می‌کرد با خبر کند. و این دشمن، گناه نام داشت!

گناه چیست؟ گناه، یک معضل در دنیا است. گناه بدترین دشمن ماست. گناه شبیه ماری است پر از سم‌های کشنده و مثل جرقه کوچکی است که می‌تواند جنگل بزرگی را به آتش بکشاند. و یا مثل مشعلی است که شیطان توسط آن دنیا را به آتش می‌کشد! کلام خدا می‌گوید: «پس هر که نیکویی کردن بداند و بعمل نیاورد، او را گناه است.» (یعقوب ۴: ۱۷) «گناه مخالف شریعت است... و کسی که گناه کند از ابلیس است زیرا که ابلیس از ابتدا گنهکار بوده است.» (اول یوحنا ۳: ۴ و ۸) گناه، نیرویی است که در بین اعضای بدن ما حرکت می‌کند و با آنچه که درست و نیک است می‌جنگد. گناه می‌تواند هر چیزی باشد که مخالف با اراده خدا باشد. گناهیعی ایمان نداشتن و اطاعت نکردن از کلام خداست. «رفتن به راه خود، گناه است.» (اشعیا ۵۳: ۶)

عاقبت کسانی که به راه خود رفته و از ایمان به خدا و اطاعت از او امتناع می‌کنند چه خواهد بود؟ کتاب مقدس می‌گوید: «ایشان قصاص هلاکت جاودانی خواهند رسید از حضور خداوند و جلال قوت او» (دوم تسالونیکیان ۱: ۹) به آن دسته از افرادی که به طریقی که خدا مقرر کرده قدم نهاده‌اند، حیات جاویدان عطا خواهد شد. اما کسانی که، قلبهایشان را در مقابل حقیقت سخت می‌کنند با غضب و داوری خدا روبرو خواهند شد. با این وجود کتاب مقدس می‌گوید که خدا نمی‌خواهد «کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند.» (دوم پطرس ۳: ۹) خدا نمی‌خواست قائن بواسطه گناه خود هلاک شود. بلکه، او مشتاق بود که قائن توبه کند و از راه خطائی که انتخاب کرده بود دست بکشد و راه عدالت را برای خود برگزیند.

همانطور که در برنامه قبل دیدیم، خداوند خدا، نقشه‌ای را مکشوف ساخت که طی آن گنهکاران می‌توانستند در حضور خدا عادل محسوب شوند. هابیل به نقشه خدا ایمان داشت و بره‌ای بی‌عیب را به عنوان قربانی که می‌تواند گناه را بپوشاند ذبح کرد. هابیل به آنچه خدا می‌گفت، معتقد بود «مزد گناه موت است.» و «بدون ریختن خون، آمرزش نیست.» (رومیان ۶: ۲۳ و عبرانیان ۹: ۲۲) زیرا هابیل بواسطه خون ریخته شده بره وجدانش در حضور خدا پاک شد. هابیل به این امر واقف بود که گنهکار است و مستحق مجازات الهی می‌باشد، به همین دلیل همانطور که خدا خواسته بود، بره‌ای بی‌گناه را به او تقدیم کرد. بره‌ای که هابیل قربانی کرد، تمثیلی از نجات دهنده‌ای بود که به این جهان آمد و زندگی خود را قربانی کرد تا کفاره گناه انسان برای همیشه پرداخت شود. اما قائن وانمود می‌کرد که به خدا ایمان دارد اما اعمال او چیز دیگری نشان می‌داد. او با زبانش به خدا احترام می‌گذاشت، اما دل او از خدا بسیار دور بود. آن چیزی که خدا می‌خواست، خون بره بود. اما قائن از دسترنج خود، به خدا تقدیم کرد. پرستش قائن در حضور خدا کاملاً بی‌ارزش بود، زیرا او راه خدا را نپذیرفته بود.

اجازه بدهید آیه بعدی را بخوانیم تا ببینیم، بعد از آنکه خدا قائن را به خاطر قربانی بی‌ارزشش سرزنش کرد، قائن به چه عملی دست زد؟ «و قائن با برادر خود هابیل سخن گفت. و واقع شد چون در صحرا بودند، قائن بر

برادر خود برخاسته او را کشت.» (پیدایش ۱:۴) قائن دست به چه عملی زد؟ آیا او توبه کرد؟ آیا او به خدا ایمان آورد و خون بره را به عنوان قربانی گناهان خود به او تقدیم کرد؟ خیر، قائن به برادر خود، هابیل حمله کرد و او را کشت، و اینگونه بر گناه خود افزود!

عجیب است! قائن از ریختن خون بره که خدا می‌توانست توسط آن، گناه او را ببخشد، امتناع کرد و خون برادر صالح خود را ریخت! شما در این مورد چگونه فکر می‌کنید؟ چه کسی فکر کشتن برادر را در ذهن قائن گذاشت؟ قائن به چه کسی گوش می‌داد؟ او به شیطان گوش کرد. کتاب مقدس می‌گوید، او برادرش را کشت زیرا قائن «از آن شریر بود.» (اول یوحنا ۳:۱۲) همانگونه که قبلاً هم گفتیم، خدا اعلام کرد دو گروه انسان در دنیا وجود دارد، انسانهایی که متعلق به خدا هستند و انسانهایی که متعلق به شیطان هستند. هابیل متعلق به خدا بود زیرا ایمان کافی برای اطاعت از کلام خدا را داشت. قائن متعلق به شیطان بود زیرا او به کلام خدا ایمان نداشت.

بیائید به آنچه که خدا به قائن، بعد از کشتن برادر کوچکترش گفت، گوش دهیم.

«پس خداوند به قائن گفت: "برادرت هابیل کجاست؟" گفت: "نمی‌دانم، مگر پاسبان برادرم هستم؟" گفت: "چه کرده‌ای؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی‌آورد! و اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را باز کرد تا خون برادرت را از دستت فرو برد. هرگاه کار زمینی کنی، همانا قوت خود را دیگر به تو ندهد و پریشان و آواره در جهان خواهی بود."» (پیدایش ۴:۹ و ۱۲)

بنابراین خدا قائن را مجازات کرد و گفت: "هرگاه کار زمینی کنی، همانا قوت خود را دیگر به تو ندهد و پریشان و آواره در جهان خواهی بود." ضرب‌المثلی می‌گوید: «گاو به گوساله خود لگد می‌زند ولی از او متنفر نیست.» به همین ترتیب خدا قائن را مجازات نکرد تا محکومش کند، بلکه او را به سمت توبه از گناه و ایمان به حقیقت و نجات هدایت کرد. اما قائن چه کار کرد؟ آیا او توبه کرد؟ خیر، او توبه نکرد. کتاب مقدس می‌گوید: «پس قائن از حضور خداوند بیرون رفت و در زمین نود ساکن شد.» (پیدایش ۴:۱۶) قائن که کلام خدا را نادیده گرفته بود، به خدا پشت کرد. و خدا را به زندگی خود راه نداد. خدا خودش را از قائن دور نکرد بلکه این قائن بود که خود را از خدا دور کرد.

امروزه اکثر فرزندان آدم، همچون قائن، راه خود را ادامه می‌دهند و دل‌های خود را به روی خدا بسته‌اند. زبان‌شان اقرار می‌کند که «خدا بزرگ است!» اما در دل خود گمان می‌کنند، «خدا دور است!» هیچ‌کس نمی‌تواند خدا را بشناسد! کلام خدا به ما نشان می‌دهد که خدا از هیچ‌یک از ما دور نیست زیرا او کسی است که به هر یک از ما حیات، نفس و همه چیز را عطا کرده است. او از نفس ما به ما نزدیکتر است. خدا شخصاً شما را می‌شناسد و مشتاق است تا شما نیز او را شخصاً بشناسید! (مراجعه کنید به اعمال ۱۷:۲۴ و ۳۱؛ رومیان ۱:۱۰ و ۱۳)

چرا اکثر مردم، شخصاً قدمی برای شناخت خدا بر نمی‌دارند؟ کلام خدا پاسخ این سوال را می‌دهد. خدا می‌گوید: «و حکم این است که نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند، از آنجا که اعمال

ایشان بد است زیرا هر که عمل بد می‌کند روشنی را دشمن دارد و پیش روشنی نمی‌آید، مبدا اعمال او توبیخ شود.»
(یوحنا ۳: ۱۹ و ۲۰)

مردم خدا را نمی‌شناسند زیرا، مثل قائن به کلام او پشت کرده‌اند. نبی خدا داود می‌گوید: «کلام تو (خدا) برای پاهای من چراغ و برای راههای من نور است.» (مزمیر ۱۱۹: ۱۰۵) اگر شما به نور کلام خدا پشت کنید در تاریکی گناه باقی خواهید ماند و هرگز خدا را نخواهید شناخت. گمان خواهید کرد که خدا خیلی از شما دور است، با این وجود خدا مشتاق است تا شما بدانید او دور نیست، او پشت شماست، کنار شماست، درست جلوی شماست. خدا شما را دوست دارد و مشتاق است تا رابطه نزدیکی با شما داشته باشد. اما شما نباید مثل قائن دل خود را سخت کنید و راه عدالت خدا را نپذیرید. خدا می‌خواست قائن توبه کند. امروز، نیز خدا به همه فرمان می‌دهد که توبه کنند، به سوی او بازگردند تسلیم راه نجات او شوند.

کسی که حقیقتاً توبه می‌کند شبیه مسافری است که می‌خواهد بلیط قطار اصفهان به تهران بخرد. او بلیط را تهیه می‌کند و سوار قطار می‌شود. بعد از مدتی که از سفر می‌گذرد متوجه می‌شود که سوار قطاری شده است که به مشهد می‌رود. برای اینکه به تهران برود باید چه کار کند؟ او باید «بازگشت کند» و بپذیرد که مسیر را اشتباه می‌رود، باید ایستگاه بعدی از قطار پیاده شود و سوار قطاری شود که به تهران می‌رود. بنابراین همانطور که مشاهده کردیم، توبه حقیقی دو بعد دارد: طرد کردن خطا و پذیرفتن حق. توبه حقیقی شامل دو اقدام است: اولاً باید از راه خودتان و گناهتان، بتهایتان و نیز تلاش شخصی برای خشنود کردن خدا بازگردید و سپس به سوی خدا و کلام او که راه نجات را به شما نشان می‌دهد روی بیاورید، و این توبه حقیقی است.

اما قائن، او هرگز توبه نکرد. او ترجیح داد تا راه خود را ادامه بدهد و از تسلیم شدن در برابر راه نجاتی که خدا مقرر کرده است، امتناع کرد. از این رو کتاب مقدس می‌گوید: «قائن به دلیل راه خطا هلاک شد بنابراین خدا برای او تاریکی ظلمت جاودانی مقرر کرده است.» (یهودا ۱۱ و ۱۳)

دوستان عزیز، مبدا ما مثل قائن باشیم! بیایید به هشدار خطیری که کلام خدا اعلام می‌کند توجه کنیم: «اگر توبه نکنید، همگی شما همچنین هلاک خواهید شد!» (لوقا ۱۳: ۳) داوری خدا مسلم است و شامل حال کسانی خواهد شد که هرگز خود را از گناهانشان پاک نمی‌کنند.

اشتباه نکنید: شما هرگز بر پایه اعمال نیک خود، در حضور خدا، عادل شمرده نمی‌شوید. بسیاری از مردم مثل قائن، معتقدند که با دنبال کردن قواعد و قوانین مذهبی‌شان می‌توانند از داوری خدا در امان بمانند. اما مذهبی شدن یک شخص باعث نمی‌شود او عادل محسوب شود. کلام خدا می‌گوید:

«از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد... جمیع ما مثل شخص نجس شده‌ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می‌باشد... زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و

این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند.» (رومیان ۳:۲۰؛ اشعیا ۶۶:۴؛ افسسیان ۲:۹)

از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگذاریم. به یاری خدا، در برنامه آینده، در مورد دیگر فرزندان آدم همچون خنوخ مطالبی را برایتان بیان خواهیم کرد.
خدا به شما برکت دهد، در مورد آنچه که امروز شنیدید عمیقاً تفکر کنید. کلام مقدس می گوید:

«خدا..... بر شما تحمل می نماید چون نمی خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند..... اگر توبه نکنید همگی شما همچنین هلاک خواهید شد.» (۱ پطرس ۳:۹؛ لوقا ۱۳:۳)